

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحناپی، جلسه ۱۲، تصاویری از کار عیسی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت ای. پترسون و آموزه‌های او در مورد الهیات یوحناپی است. این جلسه دوازدهم، تصاویر کار عیسی است.

ما از مطالعه الهیات یوحناپی در مورد شخصیت عیسی و تصاویری که آن شخص را به تصویر می‌کشند، به ارائه یوحنا از کار نجات‌بخش عیسی می‌پردازیم و، همانطور که در الهیات کتاب مقدس مرسوم است، بر تصاویر، استعاره‌ها و تصاویری که کار مسیح را ارائه می‌دهند، تمرکز می‌کنیم.

مرور کلی. پسر انسان - چوپان خوب - را بلند کرد.

بره خدا. قربانی کاهنان. ۱۷۱۹، اغلب نادیده گرفته می‌شود.

ویکتور، مسیح ویکتور، مسیح قهرمان، یک مضمون مهم. در یک متن، عیسی کسی است که برای ملت می‌میرد - فصل ۱۱.

از زبان قیافا، یک پیشگوی. او دانه گندم در حال مرگ است که میوه فراوان می‌دهد -- فصل ۱۲:۲۰ تا ۲۵.

پسر انسان. حال، تأکید بر این عنوان است، اما به طور خاص بر پسر انسان که بالا برده شده است. ما آن را در آیات ۱۱ تا ۱۵ از باب ۳ دیدیم.

من آن را دوباره می‌خوانم. حقیقتاً، حقیقتاً، نیقودیموس، به تو می‌گویم، ما از آنچه می‌دانیم سخن می‌گوییم و به آنچه دیده‌ایم شهادت می‌دهیم، اما تو شهادت ما را نمی‌پذیری. اگر من چیزهای زمینی را به تو بگویم و تو باور نکنی، چگونه می‌توانی باور کنی اگر چیزهای آسمانی را به تو بگویم؟ هیچ‌کس به آسمان صعود نکرده است، جز آن کس که از آسمان فرود آمد، یعنی پسر انسان.

و همانطور که موسی مار را در بیابان برافراشت، پسر انسان نیز باید برافراشته شود. تا هر که به او ایمان آورد، حیات جاودان یابد. همانطور که گفتیم، برافراشتن پسر انسان، عیسی، بر صلیب، نمونه‌ای متضاد با نمونه برافراشتن مار برنزی توسط موسی در بیابان است.

اعداد ۲۱. خوب است که آن را بخوانیم. از کوه هور، اعداد ۴:۲۱، آنها از راه دریای سرخ حرکت کردند تا سرزمین ادوم را دور بزنند.

و مردم در راه بی‌صبر شدند. و مردم علیه خدا، یک ایده بد، و علیه موسی، نه به بدی، اما هنوز یک ایده بد صحبت کردند. چرا ما را از مصر بیرون آوردید، از مصر بیرون آوردید تا در بیابان بمیریم؟ زیرا نه غذایی هست و نه آبی، و ما از این غذای بی‌ارزش متنفریم.

و خداوند مارهای آتشین را در میان قوم فرستاد و آنها قوم را گزیدند و بسیاری از بنی اسرائیل مردند. و قوم نزد موسی آمدند و گفتند: «ما گناه کرده‌ایم، زیرا علیه خداوند و علیه تو سخن گفته‌ایم. از خداوند دعا کن.» تا مارها را از ما دور کند

، بنابراین، موسی برای مردم دعا کرد، و خداوند به موسی گفت: «مار آتشی بساز و آن را بر تیری قرار بده و هر که آن را بگزد، چون آن را ببیند، زنده خواهد ماند.» آه، وقتی گزیده می‌شود، به اصطلاح، این پادزهر است. بنابراین، موسی یک مار برنزی ساخت و آن را بر تیری قرار داد، و اگر مار کسی را بگزد، به مار برنزی نگاه می‌کرد و زنده می‌ماند.

همانطور که موسی، یوحنا ۱۴: ۳، مار را در بیابان برافراشت، پسر انسان نیز باید برافراشت شود تا هر که به او بنگرد و به او ایمان آورد، حیات جاودان داشته باشد. این الگو گسترده‌تر از آن چیزی است که من در مورد رفتار با شخص مسیح پیشنهاد دادم. داوری وجود دارد.

کسانی که سرکشی کردند، به قول یوحنا، از قبل محکوم شده بودند، زیرا مارهای آتشین مردم را نیش می‌زدند و بسیاری از مردم نیز جان خود را از دست داده بودند. مار روی تیرک با پسر انسان که به صلیب کشیده شد، مطابقت دارد. نگاه کردن به مار روی تیرک، ایمان را به همراه دارد.

، بنابراین، ایمان به عیسی نیز نمونه‌ی متناظر آن است. و کسانی که نگاه کردند، حتی اگر گزیده شده بودند از مجازات و کیفر رهایی یافتند. به همین ترتیب، اگرچه آنها از نظر روحانی در گناه مرده به دنیا آمده و از قبل محکوم شده‌اند، کسانی که به پسر مصلوب انسان، عیسی، ایمان دارند، بخشیده می‌شوند، از داوری خدا رهایی می‌یابند و، طبق یوحنا ۱۵: ۳، حیات جاودان دارند.

یوحنا ۱۲ مطالعه‌ی جذابی است. ما قبلاً مقداری از این را خوانده‌ایم. برای درک زمینه، باید به آیه‌ی ۲۷ برویم.

اکنون جان من مضطرب است. چه بگویم؟ پدر، مرا از این ساعت نجات ده، بلکه برای همین منظور به این ساعت آمده‌ام. پدر، نام خود را جلال ده.

سپس، صدایی از آسمان آمد. این صدا شبیه جتسیمانی در کلام یوحنا است. من آن را جلال داده‌ام و دوباره جلال خواهم داد.

جمعیت دچار سوءتفاهم شد. آنها حتی نمی‌فهمند. آنها از نظر معنوی بسیار کندذهن هستند.

اگر خدا از آسمان سخن بگوید، آنها نمی‌فهمند. آنها فکر می‌کنند فرشته‌ای صحبت کرده یا رعد و برق آنها را فرا گرفته است. عیسی می‌گوید، اکنون داوری این جهان است.

حال، آیا حاکم این جهان بیرون رانده و طرد خواهد شد؟ وقتی از زمین بلند شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید. ما قصد داریم با آن ترسیم سروکار داشته باشیم. من اینجا به شما می‌گویم که چه فکر می‌کنم.

وقتی به نقاشی نشان نجات رسیدیم، با جزئیات بیشتری به آن خواهیم پرداخت. این برای نشان دادن نوع مرگی بود که او قرار بود بمیرد. نکته اصلی ما در اینجا این است.

عیسی با بالا برده شدن خواهد مرد. وقتی من از زمین بالا برده شوم، همه مردم را به سمت خود خواهم کشید. باید می‌گفتم که نه تنها زمینه برای بالا بردن پسر انسان، شماره نه است، بلکه باز هم، اجماع بیشتری وجود دارد که این درست است.

یوحنا این را می‌گوید، اما تصویر کلی با اشعیا ۵۳ مطابقت دارد، جایی که قبل از رنج وحشتناک بنده، حتی به طور شگفت‌آوری، قبل از خونریزی که داریم، اینک بنده من، ۲۲، ۱۳ است. اشعیا ۵۳ در واقع با اشعیا شروع می‌شود. اینک بنده من عاقلانه عمل خواهد کرد ۱۳:۵۲.

او والا و برافراشته و متعال خواهد شد. والا، برافراشته، والا سه بار. این نقش پیروزی وجود دارد و یک بخش الحاقی است.

اشعیا ۵۳ با غنائیم، پیروزی و غیره به پایان می‌رسد. و بنده خداوند قبل از همه رنج‌ها، که وحشتناک است، در آن سهیم است. ما این تعالی سه‌گانه را داریم.

و یکی از سه راه بیان این است که او بالا برده خواهد شد. ما فکر می‌کنیم که این موضوع در پس عبارت بالا برده شدن در انجیل چهارم نیز وجود دارد. مطمئناً، بلند کردن مار توسط موسی نیز در این امر نقش دارد.

وقتی من بالا برده شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید. آیا این به معنای نجات همه، ۳۳، ۱۲:۳۲ است؟ این یک درک احتمالی است، اما یک سوءتفاهم است زیرا این چیزی نیست که اتفاق می‌افتد. یوحنا با صدای پسر انسان، مردم از قبرهای خود بیرون خواهند آمد، برخی برای رستاخیز زندگی، برخی، ۲۹، ۵:۲۸. برای رستاخیز داوری، محکومیت.

اینجا شبیه آیه ۲۰ است، در میان کسانی که برای عبادت در عید رفته بودند، چند یونانی بودند و درخواست ملاقات با عیسی را داشتند. آنها فوراً از این ملاقات محروم شدند. و آنچه مفسران می‌گویند، و من هم موافقم، این است که عیسی بلافاصله چیزهای دیگری در مورد آمدن ساعت خودش که برایش فشار می‌آورد، برای گفتن دارد.

او مجبور بود با زمان کنار بیاید و گفت، اما به عنوان بخشی از آن، از آنچه پدر برایش مقدر کرده است، عقب‌نشینی نخواهد کرد. او می‌گوید: نام خود را جلال بده. پدر می‌گوید، آمین از آسمان.

سپس عیسی می‌گوید، شیطان شکست خورده است، مرگ و رستاخیز، مرگ و رستاخیز خود، مرگ و رستاخیز عیسی را پیش‌بینی می‌کند. و سپس می‌گوید، وقتی از زمین بلند شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید. حالا او یونانیان را هم شامل می‌شود.

حال، او هر کسی را که ایمان بیاورد، شامل می‌شود. به طور خاص، آیه ۱۰:۳۳ می‌گوید که این نشان می‌دهد که او قرار بود چه نوع مرگی داشته باشد. اشاره به بلند کردن پسر انسان در آیه قبلی، به مصلوب شدن او اشاره دارد، که من قبلاً پیشنهاد کردم که این یک معنی دوگانه دارد.

این از اعدام و درد وحشتناک صحبت می‌کند، اما همچنین از تجلیل نیز سخن می‌گوید، زیرا خدا از خشم انسان‌ها برای ستایش خود استفاده می‌کند، همانطور که خدا در یوحنا ۱۸ از شر برای خیر نهایی استفاده می‌کند. آه، بله، ما ۳۱۳۲ داریم. باز هم، این از هیچ عنوان خاصی استفاده نمی‌کند، اما در مورد نحوه مرگ عیسی صحبت می‌کند.

این خیلی حالم رو بد می‌کنه. عیسی صبح زود از خونه قیافا به سمت مقر فرمانداری برده شد. یهودیان وارد مقر فرمانداری نشدند تا نجس نشوند و بتوانند عید فصیح را بخورند.

تهوع آور است. آنها نمی‌خواهند به طور تشریفاتی نجس شوند، اما با رهبران هماهنگ شده‌اند تا مسیح خود را مصلوب کنند. آه، آنها از قبل از این طرف و آن طرف نجس شده‌اند.

پیلطس بیرون رفت و نزد ایشان رفت و پرسید: «چه اتهامی علیه این مرد می‌زنید؟» گفتند: «اگر این مرد بدکار نبود، او را به تو تحویل نمی‌دادیم.» آنها به این سؤال پاسخی ندادند. پیلطس گفت: «شما خودتان او را ببرید و طبق قانون خودتان او را محاکمه کنید».

یهودیان گفتند که ما مجاز به کشتن کسی نیستیم. آنها مجازات اعدام را می‌خواهند. در واقع، گاهی اوقات یک سنهدرین می‌توانست مجازات اعدام را اعمال کند، اما به عنوان یک قاعده کلی، این دقیقاً درست است.

و آنها نمی‌خواهند به دنبال استثنائات باشند. آنها می‌خواهند، خوب، به دنبال اصل و نسب بروند، و می‌خواهند این کار را از طریق رومیان انجام دهند. برای ما قانونی نیست که کسی را به قتل برسانیم، حداقل با مصلوب کردن.

گاهی اوقات، آنها مردم را با سنگسار به قتل می‌رساندند. به کتاب اعمال رسولان باب ۷ استیفان فکر کنید. این برای تحقق کلامی بود که عیسی گفته بود تا نشان دهد چه نوع مرگی در انتظار اوست. پسر انسان که بالا برده شد به معنای پسر انسان مصلوب شده است.

عیسی شبان نیکو است - فصل ۱۰. ما قبلاً این کار را انجام داده‌ایم، بنابراین می‌توانم سریع بروم.

من چوپان خوب هستم. چوپان خوب به گوسفندان اهمیت می‌دهد، آنها را دوست دارد، از آنها ۱۱:۱۰ مراقبت می‌کند، گوسفندان را می‌شناسد.

میزان نگرانی او اینجاست. جان خود را برای گوسفندان فدا می‌کند. به عنوان یک قاعده اساسی در کار چوپانی به معنای واقعی کلمه، چوپانان جان خود را برای گوسفندان نمی‌دادند زیرا در آن صورت دیگر چوپانی برای مراقبت از گوسفندان وجود نخواهد داشت.

اما عیسی یک چوپان معمولی نیست. او چوپان خوب است و جان خود را برای گوسفندان فدا می‌کند. متفاوت از یک مزدور.

من شبان نیکو هستم، آیه ۱۴. من خاصان خود را می‌شناسم، خاصان من مرا می‌شناسند، همانطور که پدر مرا می‌شناسد، و من پدر را می‌شناسم، و جان خود را در راه گوسفندان فدا می‌کنم. من گوسفندان دیگری دارم که از این گله نیستند.

من باید آنها را نیز بیاورم، و آنها به صدای من گوش خواهند داد. این کاری است که گوسفندان انجام می‌دهند، زیرا یک گله و یک چوپان خواهند بود.

از شمول غیریهودیان، غیریهودیان مؤمن در پدر، در گله خدا، در قوم خدا صحبت می‌کند. به همین دلیل پدر مرا دوست دارد، آیه ۱۷، زیرا من جان خود را می‌سپارم تا دوباره آن را به دست آورم. هیچ کس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه من آن را به میل خود می‌دهم.

من اختیار دارم آن را بدهم. من اختیار دارم آن را دوباره به دست آورم. این حکمی است که از جانب پدرم دریافت کرده‌ام.

و سپس ۲۸، من به آنها حیات جاودان می‌دهم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد. هیچ‌کس آنها را از دست من یا از دست پدر نخواهد ربود. ما در حفظ گوسفندان، در حفظ قوم خدا که نجات یافته‌اند، یکی هستیم.

عیسی چوپان خوبی است که برای گوسفندانش می‌میرد، جان خود را برای آنها فدا می‌کند و خود را به طور منحصر به فرد در تمام کتاب مقدس بالا می‌برد. در یوحنا ۲: ۱۹ تا ۲۱، ۲۲، اگر این معبد را در سه روز ویران کنید، من آن را بالا خواهم برد. و اینجا در یوحنا ۱۰: ۱۷ و ۱۸، عیسی خود را بالا خواهد برد.

تصویر چوپان خوب با دهنده حیات جاودان همپوشانی دارد. همانطور که در آیه ۲۸ دیدیم، من به آنها حیات جاودان می‌دهم. آنها هرگز، هرگز هلاک نخواهند شد.

عیسی نیز بره خداست. ما این را فوراً در مضمون شهادت یحیی تعمید دهنده در یوحنا فصل ۱ می‌بینیم. ببینید، او می‌گوید، او به عیسی شهادت می‌دهد. او نور نبود، ۱:۱۹ تا ۲۸، اما او در مورد نور شهادت می‌دهد، ۱:۲۹ تا ۳۴.

اینک بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد. اینک عیسی قربانی بزرگی را انجام می‌دهد. و ۳۶ به این موضوع اشاره دارد.

یوحنا فقط می‌گوید، اینک بره خدا، که در آن لحظه دو نفر از شاگردانش عیسی را ترک کرده و از یوحنا پیروی می‌کنند. و یوحنا از این بابت خوشحال است زیرا او یک شاهد است. او یک راهنما است.

او مسیح نیست. او مسیح است. او دوست داماد است که می‌خواهد عروس، قوم خدا و کلیسا به داماد بپیوندند.

نه برای او. او فقط یک دوست است. اگر بخواهید، او بهترین مرد است.

گمانه‌زنی‌ها و مطالعات زیادی در مورد معنای عبارت «بره خدا که گناهان جهان را برمی‌دارد» در انجیل یوحنا صورت گرفته است تا هویت این بره مشخص شود. برخی می‌گویند قربانی. برخی می‌گویند بره عید فصح.

برخی می‌گویند در نوشته‌های ارمیا از یک حیوان نام برده شده است. من یادم نیست کدام حیوان. همه اینها و موارد دیگر ذکر شده است.

و حدس می‌زنم شاید بتوانید برای عید فصح دلیل خوبی بیاورید. اما من بدون اینکه بیش از حد متعصب باشم، نظر لئون موریس را ترجیح می‌دهم. من راه حل لئون موریس را می‌پسندم که می‌گوید این یک اشاره کلی به تمام عهد عتیق، کل سیستم قربانی عهد عتیق است. عیسی آن را به انجام می‌رساند.

او آن را جایگزین می‌کند. دوباره به شباهت آموزه‌های کتاب عبرانیان با اصطلاحات بسیار متفاوت توجه کنید. به دلیل مرگ عیسی، قربانی‌های عهد عتیق به طور ناگهانی متوقف می‌شوند.

دیگر قربانی برای گناه وجود ندارد. دیگر جایی برای کاهنان بشری، حتی کاهنان اعظم، نیست. عیسی کاهن اعظم بزرگی است که همه اینها را به انجام می‌رساند و آنها را منسوخ می‌کند.

البته عبرانیان جزئیات بسیار بیشتری را مطرح می‌کند. اما یوحنا، حتی در این چند کلمه، بره خدا را می‌بیند که گناه جهان را از بین می‌برد. خوشبختانه، کلیسای مسیحی همیشه به ارائه رایگان انجیل به هر کسی که بخواهد، اعتقاد داشته است.

و این ریشه در مرگ عیسی برای جهان دارد. این برای همه نژادها، همه زبان‌ها، مردمی که در هر مکانی زندگی می‌کنند و مردم از هر قومیتی است. تنها یک واسطه بین خدا و بشر وجود دارد و آن انسان، عیسی مسیح است. او واسطه هر کسی است که به او ایمان آورد.

یوحنا ۱۷ دعای فوق‌العاده‌ای است. خدای من، خیلی چیزها در آن هست. ما با جزئیات بیشتری به آن خواهیم پرداخت، و هنوز بیش از یک موضوع دیگر در راه است.

اما فعلاً، آیه ۱۹ درباره قربانی کاهنی عیسی صحبت می‌کند. ۱۷ همین الان. آنها را تقدیس کنید. عیسی با راستی به پدر دعا می‌کند.

کلام تو حقیقت است. همانطور که تو مرا به جهان فرستادی، من نیز ایشان را به جهان فرستاده‌ام. این مصلحت ماست، ۱۹.

و به خاطر آنها، من خود را تقدیس می‌کنم تا آنها نیز در حقیقت تقدیس شوند. اول از همه، می‌خواهم به در آیه ۱۷ به معنای تقدیس آنهاست و در آیه ۱۹ به معنای تقدیس ESV این نکته اشاره کنم که ترجمه است که وقتی می‌گوید من خود را تقدیس می‌کنم، استفاده شده *hagiazō* آنهاست. و این دقیقاً همان کلمه است.

چه می‌کند. تقدیس خود توسط عیسی با تقدیس شاگردانش متفاوت است. او با ESV من متوجه هستم که کنار گذاشتن خود برای مرگش، خود را تقدیس می‌کند.

من معتقدم این یک استعاره‌ی کاهنی است. او خود را تقدیس می‌کند. او خود را به قربانی‌اش بر روی صلیب تقدیس می‌کند.

یکی از نتایج این امر این است که آنها نیز ممکن است در حقیقت تقدیس شوند. مطمئناً، او خود را به روشی متفاوت از تقدیس آنها تقدیس می‌کند. تقدیس خود-کاهنانه‌ی او، او را به این مسیر عمل متعهد می‌کند.

و این اساس منحصر به فرد نجات است که در اینجا به صورت تطهیر یا پاک کردن همه قومش به زبان یوحنا ۱۷ ارائه شده است، همه کسانی که پدر به او داده است به زبان انجیل یوحنا به طور کلی به او داده است، همه کسانی که از طریق کلامشان به او ایمان می‌آورند. این دقیقاً کلمه بعدی است که آیه می‌گوید بنابراین، عیسی خود را به عنوان کاهن اعظم تقدیس کرد و قربانی‌های کاهنی را برای تقدیس و جدا کردن خود به عنوان مقدس انجام داد.

پولس می‌گفت که از همه مؤمنان، مقدسین بسازید. و سپس آیه ۱۷ می‌گوید که چگونه این کار عملی می‌شود، آنها را با حقیقت خود تقدیس کنید. کلام تو حقیقت است.

این به ویژه کلام موعظه شده خداست که خداوند برای تقدیس قوم خدا از آن استفاده می‌کند. اما اساس این تقدیس در خودشان نیست. بلکه در نجات‌دهنده، خداوند عیسی مسیح، نهفته است که خود را به عنوان کاهن اعظم تقدیس کرد و قربانی بی‌نظیر و نهایی را برای گناه تقدیم نمود.

کریستوس ویکتور «نام کتابی است که گوستاو آلن در دهه ۱۹۳۰ نوشته است. این اصطلاح به یک اصطلاح فنی در الهیات تبدیل شده است زیرا او به یک بن‌مایه پیروزی در عهد جدید اشاره می‌کند که تقریباً همه از آن غافل بودند. محافظه‌کاران بر جایگزینی مجازات تأکید دارند.

عیسی مسیح تاوان ما را داد. لیبرال‌ها بر برخی ایده‌های کلی یا حتی عیسی را به عنوان الگو در مرگش تأکید می‌کنند. آلن گفت آنها اشتباه نمی‌کنند، اما ایده اصلی در کتاب مقدس این است که مسیح پیروز است.

این کتاب قدرتمندی است که تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته، اما با این حال در مورد موضوع خود بسیار اغراق می‌کند. اینکه او بنویسد موضوع اصلی کتاب عبرانیان، مسیح ویکتور است، فقط کورکورانه است. موضوع اصلی کتاب عبرانیان، مسیح، قربانی و کاهن اعظم ما است.

شکی نیست. اوه، کریستوس ویکتور در فصل دوم هست. شکی نیست که این درسته.

از آنجا که فرزندان از گوشت و خون مشترک برخوردارند، او نیز در این [وضعیت] شریک شد تا از طریق مرگ، کسی را که قدرت مرگ را در دست دارد، یعنی شیطان، نابود کند. این مسیح ویکتور است. اما خدای من، از فصل‌های یک و هفت و نه و ده، فصل یک

در فصل اول جمله‌ی زیبایی وجود دارد. او پس از پاک شدن از گناهان، در دست راست خدا نشست. این جمله در فصل دوم قبل از مسیح ویکتور معرفی شده است و مهم‌تر از آن، در فصل هفتم و به ویژه فصل‌های نهم و دهم به تفصیل شرح داده شده است.

بنابراین، آیا مسیح ویکتور یک مضمون کتاب مقدسی است؟ بله، پولس آن را دارد. یوحنا آن را دارد. اما این تنها مضمون نیست.

گوستاو آلن همچنین الهیات تاریخی را برای تطبیق با تز خود اصلاح کرد. این تز خوبی است. این یک مضمون نادیده گرفته شده است.

عهد عتیق. خداوند جنگجو است، بن‌مایه جنگجوی الهی عهد عتیق. دعای موسی، خروج ۱۵

یهوه جنگجوییست که اگر بخواهید، در قالب مسیح ویکتور، در خداوند عیسی تجسم یافته است. اما تصاویر زیادی وجود دارد و جایگزینی کیفری قانونی نیز یکی از تصاویر اصلی است. ما این تصویر را در یوحنا ۱۲:۳۱ می‌بینیم.

حالا عیسی می‌گوید که این داوری این دنیاست. اوه، دنیا کلمه‌ی پیچیده‌ای است. دنیا خلقت خداست.

این دنیای زیبایی است که او ساخته است. این مردمی هستند که به یک ناجی نیاز دارند. همچنین این سیستم شیطانی جهانی است که گلوی خدا را گرفته و می‌خواهد او را بکشد.

منظور همین است. اکنون داوری این جهان فرا رسیده است. این اول یوحنا ۲:۱۵ است.

هر آنچه در دنیاست. غرور و تکبر زندگی. شهوت جسم و هوس چشم.

همین است که هست. این چیزی است که با خدا مخالفت می‌کند. اکنون داوری این دنیاست.

حال، آیا رئیس این جهان بیرون رانده خواهد شد؟ رئیس این جهان یا حاکم این جهان، القابی برای شیطان هستند. او به چه معنا رئیس و حاکم است؟

این به معنای غاصب است. ما در یوحنا ۸ دیدیم. عیسی گفت شیطان از ابتدا دروغگو و قاتل بود. او با دروغ‌هایش، اگر بخواهید، آدم و حوا را در کمین خود داشت.

مطمئنأً، شما مطمئن نخواهید بود که خواهید مرد. اما آنها وقتی غذا خوردند، از نظر روحانی مردند و بعداً از نظر جسمی مردند - والدین اولیه ما.

ما باید مراقب باشیم زیرا خداوند حاکم این جهان است، به مراتب بزرگتر از مخلوق سرکش خود، شیطان حال، آیا حاکم این جهان بیرون رانده خواهد شد؟ این در چارچوب زمانی است که گفته‌های [خدا] در حال تحقق هستند.

این در مرگ پسر خداست. به طرز طعنه آمیزی در بالا بردن او. آیه بعدی می‌گوید که شیر شکست خواهد خورد.

و ۲ حالا قبل از عید فصح، وقتی عیسی می‌دانست که ساعتش فرا رسیده است، از این دنیا رفت ۱۳:۱ چون پدر، کسانی را که در دنیا بودند دوست داشت، او آنها را تا به آخر دوست داشت. پس، این پیروز است. او به پیروزی خود اطمینان دارد، همیشه به سمت صلیب می‌رود، و این زیبا نیست.

اما او می‌دانست که ساعت او برای ترک دنیا و بازگشت به سوی پدر فرا رسیده است. آه، اینجا دسیسه‌ای نهفته است - آیه ۲. در طول شام، شیطان قبلاً شمعون، پسر، را در دل یهودای اسخریوطی قرار داده بود تا به او خیانت کند.

شیطان یکی از دوازده یهودای اسخریوطی را به خیانت به پسر خدا تحریک می‌کند. ضمناً، دو یهودا در میان حواریون وجود دارند. آن یکی واقعاً خوشحال است که می‌گوید اسخریوطی.

یهودا، پسر حلفی، درست است؟ به هر حال، در اینجا شیطان یهودا ۱۳:۲ را تحریک می‌کند و او را در توانمند می‌سازد. بعد از اینکه یهودا لقمه را خورد، شیطان وارد او شد. این وحشتناک است ۱۳:۲۷

یهودا به شما ایده‌ای می‌دهد که شیطان به او الهام می‌دهد، و حالا او را برای انجام عمل زشت توانمند می‌کند. با این وجود، عیسی می‌داند که زمان ترک این دنیا و بازگشت به سوی پدر فرا رسیده است. این از طریق بالا بردن [مقام] است، اما این دو معنی دارد.

مرگی هولناک و ننگین. رنج و مرگ. آغاز باشکوه سرفرازی تا دست راست پدر.

پدر می‌روم، او در آیه ۲۸ می‌گوید. حال، من پیش از وقوع به شما گفتم که وقتی اتفاق بیفتد، می‌توانید ایمان بیاورید. دیگر زیاد با شما صحبت نخواهم کرد، زیرا رئیس این جهان می‌آید.

این دوباره شیطان است. او هیچ ادعایی بر من ندارد. هیچ انسان دیگری نمی‌تواند چنین چیزی بگوید، و بله. عیسی یک انسان است.

او صرفاً یک انسان نیست، بلکه یک انسان است. او خدا-انسان است. اما شیطان بر همه ما ادعای مالکیت دارد، زیرا ما گناهکاریم.

هیچ ادعایی در مورد عیسی وجود ندارد. هیچ چیز در عیسی با وسوسه شیطان مطابقت ندارد. اما من همانطور که پدر به من دستور داده است، انجام می‌دهم.

هیچ گونه تبعیت هستی‌شناختی وجود ندارد. پدر و پسر و روح برابرند. یک تبعیت کارکردی یا اقتصادی وجود دارد.

پسر نه تنها یک بار برای همیشه، بلکه بارها و بارها اراده خود را تسلیم اراده پدر می‌کند. چرا؟ همانطور که در اعتقادنامه آمده است، برای ما گناهکاران و نجات ما. من آنچه را که پدر به من دستور داده است انجام می‌دهم تا جهان بداند که من پدر را دوست دارم.

برخیزید، از اینجا برویم. فرمانروای این جهان می‌آید. او یهودا را الهام بخشیده و به او قدرت داده است تا به من خیانت کند.

وقتش نزدیک است. ۱۱:۱۶ رفتن من به نفع شماست. ۱۶:۶ زیرا اگر من بروم، یاور نزد شما خواهد آمد.

اگر بروم، او را نزد شما می‌فرستم. وقتی او بیاید، جهان را در مورد گناه، عدالت و داوری ملزم خواهد کرد. این یک متن پیچیده است که وقتی به روح القدس و خدمات او برسیم، با جزئیات کامل روی آن کار خواهیم کرد.

اما فعلاً، او جهان را در مورد داوری محکوم خواهد کرد، زیرا حاکم این جهان داوری می‌شود. من فقط می‌خواهم روی بخش آخر تأکید کنم. قبل از اینکه عیسی بمیرد، درست مانند یوحنا ۱۷، قبل از اینکه حتی بمیرد یا زنده شود، در ذهنش به حضور پدر بازگشته است.

بنابراین در اینجا، حاکم این جهان حتی قبل از رفتن عیسی به سوی... محکوم و داوری می‌شود و البته، در صلیب است که او شیطان را شکست می‌دهد. ۱۶:۳۲، زمانی فرا می‌رسد که آنها پراکنده خواهند شد. شاگردان پراکنده خواهند شد.

آنها دوران سختی را خواهند داشت. وقتی او مصلوب شود، فرار خواهند کرد. یوحنا ۱۶:۳۳ این چیزها را به شما گفتم تا در من آرامش داشته باشید.

اوه، در دنیا، شما با سختی و رنج روبرو هستید. اما دلتان را قوی دارید، من بر دنیا غلبه کرده‌ام. این، باز هم، نوعی پیشگویی است.

این بیانیه‌ای است از آنچه در رستاخیز و عروج نزدیک به مرگ او اتفاق خواهد افتاد. در یوحنا ۱۱، این پیشگویی عجیب را داریم، یک پیشگویی ناخواسته و غیرعمدی از قیافا. خدای من

برای شما بهتر است که یک نفر برای مردم بمیرد. این فقط من را بهت زده می‌کند. حرفتان کنایه آمیز است.

این طنز طنزهاست. خدای من، ۱۱:۴۵ تا ۵۲. بنابراین، بسیاری از یهودیان که با مریم آمده بودند و دیده بودند که او چه کرده است، همان کاری که عیسی در زنده کردن ایلعازر از مردگان انجام داد، به او ایمان آوردند.

با این حال، برخی از آنها نزد فریسیان رفتند و از آنچه عیسی انجام داده بود، مطلع شدند. بنابراین کاهنان اعظم و فریسیان شورای سنهدرین، هیئت حاکمه یهود، را تشکیل دادند. آنها حکم دادند

رومی‌ها فکر می‌کردند، این یهودی‌ها خیلی ایرادگیر هستند و ما حتی ذره‌ای از قوانینشان سر در نمی‌آوریم. البته اجازه می‌دهیم که آنها تحت نظر ما حکومت کنند. اما تا حد زیادی به خودشان اجازه می‌دهیم که از پس امور خودشان بر بیایند.

اوه، این یهودی‌ها چقدر دردسرساز هستند. آنها شورا را تشکیل می‌دهند و می‌گویند برای این مرد که معجزات زیادی انجام می‌دهد چه باید بکنیم. تلمود اذعان می‌کند که عیسی جادوگر بوده، اما نمی‌گویند که معجزات زیادی انجام داده است. آنها ادعا می‌کنند که او یک جادوگر بوده است.

آنها عنصر معجزه‌آسا را انکار نمی‌کنند. آنها فقط آن را به جنبه تاریک نسبت می‌دهند. او نشانه‌های زیادی را انجام می‌دهد. خدای من، او همین الان دوستش را از مرگ زنده کرد.

اگر بگذاریم او همینطور ادامه دهد، همه به او ایمان می‌آورند. اگر او را نکشیم، تمام ملت از او پیروی خواهند کرد. این یعنی تعداد زیادی از او پیروی خواهند کرد، البته، و رومی‌ها خواهند آمد زیرا او چنین آشوبی مانند ناآرامی‌های مدنی ایجاد خواهد کرد.

سریازان رومی اینجا خواهند بود و آنها معبد را از بین خواهند برد و ما حتی ممکن است شهرمان اورشلیم را از دست بدهیم. رومی‌ها خواهند آمد و هم مکان و هم ملت ما را از بین خواهند برد. ما فکر می‌کنیم که این مکان معبد خداست.

یکی از آنها، قیافا، در آن سال کاهن اعظم بود. این به معنای چیزی شبیه به آن سال سرنوشت‌ساز برای اوست که این وظیفه خاص را انجام دهد، و پیشگویی به آنها گفت که شما اصلاً هیچ چیز نمی‌دانید. یوسفوس به ما می‌گوید که صدوقیان بی‌ادب بودند. در اینجا مثالی از آن آورده شده است.

و همچنین نمی‌فهمی که برایت بهتر است که یک نفر برای مردم بمیرد، نه اینکه تمام ملت نابود شود. این یک مصلحت‌اندیشی سیاسی است. بیایید او را بگیریم و به این ماجرا پایان دهیم.

منظور او همین بود، اما بدون اینکه قصدی داشته باشد، در مورد کفاره نیابتی پسر خدا پیشگویی کرده است. برای شما بهتر است که یک نفر برای قوم بمیرد، نه اینکه تمام قوم هلاک شوند. او این را از خود نگفت، بلکه چون در آن سال کاهن اعظم بود، پیشگویی کرد که قصد او این نیست که عیسی برای قوم بمیرد.

او قرار است برای یهودیان بمیرد، نه فقط برای ملت، بلکه همچنین برای گرد هم آوردن فرزندان خدا که در خارج از کشور پراکنده بودند. بنابراین، او درست مانند یهودیانی که انجیل یوحنا ۸:۱ را شنیدند، نبود. انجیل قرار است به اکثر نقاط جهان و تا پایان جهان برود، احتمالاً منظور او پراکندگی یهودیان در سراسر جهان بوده است و خدا همانطور که در عهد عتیق اعلام کرده بود، چیزهای دیگری را در نظر داشت. به عنوان مثال، به اشعیا فکر کنید.

خب، خدا در ذهنش غیریهودیان و قوم خدا را در نظر داشت. بنابراین، یهودیانی که این را می‌شنوند احتمالاً به همین فکر می‌کنند: یهودیان پراکنده. اما خدا، همانطور که گوسفندان دیگری دارد که به این گله آورده خواهند شد، یک چوپان و یک گله نیز وجود خواهد داشت.

بنابراین، در اینجا، عیسی قرار است برای قوم بمیرد، اما همچنین فرزندان خدا را که پراکنده بودند، در یک جا گرد هم آورد؛ مفسران تقریباً موافقند که این آیه از شمول غیریهودیان سخن می‌گوید. بنابراین، از آن روز به بعد، آنها نقشه قتل او را کشیدند. کلام قیافا مؤثر است.

آنها از نظر سیاسی برای توطئه علیه عیسی و قتل او اقدام می‌کنند. با این حال، خدا که از طریق الاغ بلعام سخن می‌گفت، از طریق کاهن اعظم پیشگویی کرد که قصد نداشت از اهمیت نجات بخش مرگ پسر خدا برای یهودیان مؤمن و غیریهودیان سخن بگوید. آخرین تصویر از کار عیسی، که با آن این سخنرانی را به پایان خواهیم رساند، در یوحنا ۱۲ آمده است.

یوحنا ۱۲ بیشترین تمرکز را روی برخی از این موارد دارد؛ ما آنها را مضامین کفاره می‌نامیم. این موضوع فراتر از کفاره است. برخی از این تصاویر از کار عیسی در کل انجیل یوحنا وجود دارد.

ما در یوحنا ۱۲:۳۲، ۳۳، بالا بردن پسر انسان را داریم. در یوحنا ۱۲:۳۱، مسیح ویکتور، مسیح قهرمان را داریم. در یوحنا ۱۲:۲۰ تا ۲۵، دانه گندمی را داریم که در حال مردن و ثمر دادن است.

این متمرکزترین است زیرا موضوع آیات بیشتری در کنار هم قرار گرفته است. علاوه بر این، جاهای دیگری در انجیل یوحنا وجود دارد که این تصاویر در آنها پراکنده شده‌اند. من مطمئناً از کتاب مقدس انتقاد نمی‌کنم.

عیسی دانه گندم منحصر به انجیل یوحنا است. ما این مفهوم را داریم، همانطور که پیشگویی قیافا منحصر به انجیل یوحنا است. فصل ۱۲، اکنون در میان کسانی که برای عبادت در عید رفته بودند، برخی یونانی بودند.

پس به فیلیپ گفتند، نزد فیلیپ که اهل بیت صیدا در جلیل بود آمدند و از او پرسیدند: «آقا، ما می‌خواهیم عیسی را ببینیم.» فیلیپ رفت و به اندریاس گفت. اندریاس و فیلیپ رفتند تا به عیسی بگویند.

عیسی به آنها پاسخ داد، اما کلمه‌ای در مورد یونانیان نگفت. همانطور که قبلاً گفتم، فکر می‌کنیم این موضوع در آیه ۳۲ که می‌گوید «او همه مردم را به سوی خود جذب خواهد کرد، نه فقط یهودیان، بلکه حتی یونانیانی که به دنبال کسب اطلاعات بیشتر در مورد او هستند» در نظر گرفته شده است. واقعاً جذاب است.

عیسی بلافاصله چیزهای مهم‌تری را در ذهن خود داشت. یوحنا ۱۲:۲۳، ساعت جلال یافتن پسر انسان فرا رسیده است. به راستی، به شما می‌گویم که به خاطر همین کلمات است که ما مرگ او را با دانه گندم یکی می‌دانیم.

در واقع این دو وظیفه را انجام می‌دهد، نه دو معنی، اما ابتدا او از آن در مورد مرگ خود صحبت می‌کند و سپس از آن در مورد خدمات شاگردانش می‌گوید. به راستی به شما می‌گویم، اگر دانه گندم به زمین نیفتد و نمیرد، تنها می‌ماند. اگر بمیرد، میوه بسیار می‌دهد.

شبهه به زبان اول قرن‌تین ۱۵. در ذهن‌های باستانی، یک دانه می‌میرد. یعنی وقتی دفن می‌شود، وقتی کاشته می‌شود، یک دانه کاشته شده می‌میرد.

از نظر ناپدید می‌شود و دیگر هرگز به آن شکل دیده نمی‌شود. به شکلی متفاوت ظاهر می‌شود. پولس می‌گوید: اول قرن‌تین ۱۵، در بدنی دیگر.

یوحنا می‌گوید، در اینجا فقط اگر یک دانه بمیرد. فقط اگر از دید پنهان در زمین، در خاک باشد و باران و آفتاب و غیره را دریافت کند، و سپس جوانه بزند، و یک دانه گندم باشد، بنابراین گندم تولید می‌کند. مگر اینکه دانه گندم به زمین بیفتد و بمیرد، تنها می‌ماند، اما اگر بمیرد، میوه زیادی می‌دهد.

مفسران یوحنا، به دلیل متن اصلی و متن قبلی، عیسی را درک می‌کنند و می‌گویند که او خواهد مرد. او جلال خواهد یافت زیرا ساعت موعود فرا رسیده است. او اول از همه دانه گندم است.

این مسیح‌شناسی است. او یک دانه گندم است. او می‌میرد، و مرگ او میوه زیادی به بار می‌آورد.

اما از آنجا که آیات قبل به دانه گندم بودن او اشاره دارند، آیه بعدی، یعنی خود عیسی، به شاگردانش مربوط می‌شود. اگر دانه گندم به زمین نیفتد و نمیرد، تنها می‌ماند. اگر بمیرد، میوه فراوان می‌دهد.

هر که جان خود را دوست بدارد، آن را از دست می‌دهد، یوحنا ۱۲:۲۵. هر که در این دنیا از جان خود بیزار باشد، آن را تا حیات جاودان حفظ خواهد کرد. اگر کسی مرا خدمت کند، باید از من پیروی کند.

هر جا که من باشم، خادم من نیز آنجا خواهد بود. هر که مرا خدمت کند، پدر او را گرامی خواهد داشت. هر که جان خود را دوست بدارد، آن را از دست می‌دهد.

هر که در این دنیا از جان خود بیزار باشد، آن را تا حیات جاودان حفظ خواهد کرد. شاگردان نیز دانه‌های گندم هستند. و آنها قرار است بمیرند. به اصطلاح، آنها باید از جان خود بیزار باشند.

یعنی، آنها باید خدا و عیسی را در اولویت قرار دهند. اگر این کار را انجام دهند، زندگی خود را برای حیات ابدی حفظ خواهند کرد. این را یادداشت کنید؛ جاهای زیادی وجود ندارد که یوحنا از زندگی برای زندگی نه چندان آینده استفاده کند.

معمولاً، این دارایی از پیش موجود مؤمن است، حیات جاودان. او پدر و پسر را می‌شناسد، یوحنا ۱۷:۳. بنابراین در اینجا، دانه گندمی که در زمین می‌افتد و می‌میرد، اول از همه، از عیسی سخن می‌گوید، که در ساعت خود که برای جلال یافتن آمده است، مانند دانه گندم است. او می‌میرد، دفن می‌شود، دوباره برمی‌خیزد.

و اگرچه طعنه‌آمیز است، اما غیرمنتظره است که مطمئن شویم مرگ او، رحلت ظاهری او، باعث ثمرات زیادی می‌شود. و مانند استاد، شاگردان نیز همینطور. آنها نیز باید دانه‌های گندم باشند، دانه‌های گندم.

آنها باید از زندگی خود در این دنیا متنفر باشند و بدین ترتیب زندگی خود را برای حیات ابدی حفظ کنند. آنها باید در خود بمیرند، به زبان پولس. و به عیسی ایمان بیاورند و از او پیروی کنند، به کلام او عمل کنند و به او خدمت کنند، ۲۶.

پدر به آنها احترام خواهد گذاشت. آنها در جهان بعدی برکت خواهند یافت. و آنها محصول خواهند داد. خدا نیز از طریق آنها میوه زیادی خواهد داد.

مانند مرد نادان، مرد ثروتمند، که سیلوهای بزرگتر و بزرگتری ساخت، آن روز، زندگی‌اش از او گرفته شد، و او همه چیز را از دست داد. او مانند کسانی است که جان خود را دوست دارند و آن را از دست می‌دهند. بنابراین، شش تصویر از عیسی که نجات‌بخش است.

این هفت تصویر است. پسر انسان که بر صلیب کشیده شده و به مقام والایی رسیده است - چوپان خوپی که جان خود را برای گوسفندانش می‌دهد و دوباره آن را برمی‌دارد.

بره خدا که به عنوان قربانی برای گناهان جهان می‌میرد. قربانی کاهنی، به عنوان کاهن اعظم، عیسی خود را تقدیس می‌کند و در یک قربانی منحصر به فرد برای تقدیس قوم خود می‌میرد. پیروزمندی که در شکست ظاهری در مرگ خود، همراه با رستاخیزش، دشمنان قوم خدا را شکست می‌دهد.

شیطان، مرگ، قبر، گناه و جهان به عنوان یک سیستم در برابر خدا صف‌آرایی کردند. عیسی، به طرز طعنه‌آمیزی، همانطور که کاهن اعظم حتی این را گفت، کسی است که برای ملت و غیریهودیان پراکنده خواهد مرد. او و شاگردانش، اما او منحصرأ دانه گندمی است که به زمین می‌افتد و می‌میرد.

به همین دلیل، آنها نیز باید همین کار را انجام دهند. اگرچه مرگ آنها رستگاری‌بخش نیست، اما به خاطر مرگ او، آنها برای خودشان می‌میرند و انجیل را تبلیغ می‌کنند و توسط خدا برای زنده کردن بسیاری از مرگ به زندگی استفاده می‌شوند.

این دکتر رابرت ای. پترسون و آموزه‌های او در مورد الهیات یوحناپی است. این جلسه ۱۲، تصاویری از کار عیسی است.